

«به نام خداوند خرد»



دانشگاه شریف

۱۴۰۲

درس آیین زندگانی

مبحث مغالطات

تعریف مُغالطه یا مَغْلَطَه:

مغالطه یکی از مقولات مربوط به تفکر انسان است که در دانش منطق مطرح و بر تمام دستاوردها و کارکردهای فکری، رفتاری، گفتار او موثر است. در علم منطق «به کارگیری دلیل نادرست در روند استدلال» مغالطه یا مغلطه گفته می‌شود. به بیان دیگر مغالطه بخشی از برهان است که ثابت می‌شود منطقش اشکال دارد و بنابراین کلِ برهان را بی اعتبار می‌کند.

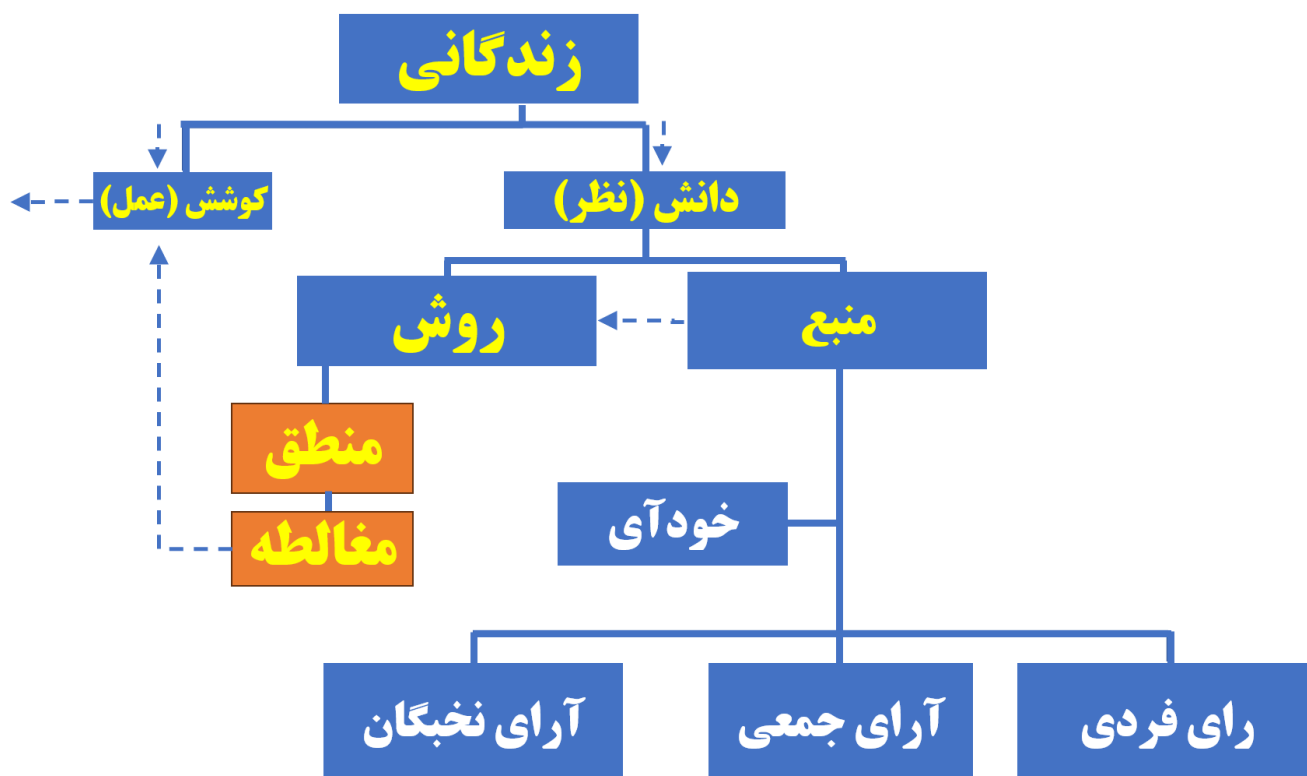
شکل گیری مغالطه به دو صورت رخ می‌دهد:

- ۱- دست کم یکی از مقدمات گزاره نادرست باشد.
- ۲- مقدمات گزاره، دربرگیرنده ی نتیجه گزاره نباشد.

متعاملان و متاثران دو سمت یک مغالطه می تواند یکی از حالات زیر باشند:

- ۱- بین یک انسان با خودش
- ۲- بین یک انسان با یک انسان دیگر
- ۳- بین یک انسان با چند انسان (یا برعکس)
- ۴- بین چند انسان با چند انسان
- ۵- بین یک یا چند انسان نسبت به دیگر موجودات (غیرانسان ها)

مبحث مغالطه در کجای ساختار موضوعات زندگانی قرار دارد؟ (نمودار زیر)



انواع مغالطه:

مهمترین گونه های مغالطه را می توان در ۷ گروه دسته بندی کرد که گروه هفتم خود، سه زیرشاخه ی اصلی دارد.



۱- مغالطه های شکلی (صوری)

در شکل بحث (صور)، قابل کشفند و برای شناسایی آنها نیاز به فهم محتوا نیست.

۲- مغالطات ابهامی

- **مغالطه اشتراک لفظ:** استفاده از واژگانی با دو یا چند معنا بدون قرینه ی معنایی.
- *** کژتابی یا ابهام ساختار:** جمله به دو یا چندگونه، فهم شود.
 - کژتابی مرجع ضمیر: داود به پدرش گفت که لباسش پاره شده.
 - کژتابی قواعد سجاوندی: عفو لازم نیست اعدامش کنید.
 - کژتابی نقش دستوری کلمه: من از راهنمایی شما پشیمانم.
 - کژتابی تعلق صفت به مضاف یا مضاف الیه: فردوسی، خداوندگار شعر پارسی است.
 - کژتابی ممثل در جمله سلبی: او مثل تو ساده نیست.
- **مغالطه واژه مبهم:** واژگانی مبهم با قابلیت تفسیرهای گوناگون. (علم)

- ***اهمال سور:** Fallacy of concealed quantification ن گفتنِ سورِ قضیه و تلقی از آن در قضیه‌ای کلی. (حذف یا به کارگیری مبهم سورهایی همچون اغلب گاه اکثر خیلی کم معمولاً...)
- ***مغالطه دوری:** تعریف دو مفهوم، نیازمند شناخت یکدیگر باشد. (هر دوری باطل است).

۳- مغالطات بی دقتی برای گمراه‌سازی

- **مغالطه کُنه و وجه:** یک صفت یا ویژگی خاصی از یک پدیده به جای اساس و ذات آن معرفی شود. (خداوند مهربان یا خداوند جبار)
- **مغالطه علت جعلی:** بخشی از علت، به جای علت اصلی معرفی شود. (مشکل اقتصاد است، مشکل فرهنگ است. مشکل تربیت است).
- ***بزرگ‌نمایی:** جنبه‌هایی از امر، بزرگ‌تر و مهم‌تر از آنچه هست معرفی شود. (میلیون‌ها کودک ایرانی تا کمر در سطل زباله، بدترین چیزی که بهترین چیزی که مهم‌ترین...)
- ***کوچک‌نمایی:** جنبه‌هایی از امر، کوچک‌تر و مهم‌تر از آنچه هست معرفی شود.
- ***مغالطه متوسط:** بیان آمار گزینشی و اطلاعات خاص با قصد معین.
- ***نمودار گمراه‌کننده:** ارائه‌ی نمودار مغرضانه یا ارائه‌ی مغرضانه نمودار.
- ***تصویر گمراه‌کننده:** کاربرد اندازه‌ها یا اجزای نادرست تصویری برای گمراه‌سازی تصورات از داده‌های صحیح آماری (نقشه جهان)

۴- مغالطات نقل

- **دروغ:** ارائه خبر غیرواقعی.
- ***توریه:** سخن ظاهراً درستی که درک مخاطب از آن نادرست است. (الان بیرونم. خونه نیستم)
- ***نقل قول ناقص:** نقل گزینشی سخن دیگری بدون انتقال پیام اصلی.
- ***تحریف:** کاستن و افزودن محتوای یک متن.
- ***تفسیر به رأی یا تفسیر نادرست:** تفسیر سخن دیگری مغایر با هدف او و موافق با هدف مغالطه‌گر.
- ***مغالطه تأکید لفظی:** تأکید بر یک یا چند واژه‌ی گوینده به گونه‌ای که مقصودش نبوده.

۵- مغالطات ادعای بدون استدلال

- ***استدلال از راه سنگ کردن:** زمینه‌سازی برای سلب امکان نقد مدعا. (ایشان فرزند بنده و از معتمدین محل هستند).
- ***اتهام نادانی:** مدعا بسیار بدیهی است و استدلال نمی‌خواهد.

- *** مسموم کردن چاه:** انتساب ویژگی ناپسند به مخالفان یا مرددان.
- *** تله گذاری:** Fallacy of trappnig نسبت دادن یک صفت مثبت و پسندیده به موافقان آن مدعا یا مخاطبانی که آن را می پذیرند.
- *** توسل به جهل:** اینکه مدعی موردنظر، نفی نشده یا دلیلی برخلاف آن وجود ندارد؛ پس آن مدعا، درست است.
- *** طلب برهان:** درخواست از مخاطبان که اگر مدعی موردنظر را نمی پذیرند، بر ضد آن، دلیل بیاورند. (میخ وسط زمین)
- *** طرد شقوق یا مغالطه دوراهی کاذب یا ذوالحدین جعلی:** با ذکر عیوب شقوق مختلف، مطلوبیت شق موردنظر را اثبات کرد. دو حالت یا محدوده یمشخص به عنوان تنها حالات ممکن طرح میشود و مخاطب را ناگزیر میکند که یکی از آن دو را بپذیرد در حالی که اجباری در پذیرش هیچ یک از این دو نیست. کارمند نشو چون یا...یا... بازاری نشو یا ... یا ...
- *** تکرار:** تکرار مدعا به جای استدلال برای اثبات آن.
- *** فضل فروشی:** تظاهر به داشتن کمالات و فضل بسیار برای این که سخن گوینده (فاعل امر یا سخن) پذیرفته شود.
- *** کمیت گرایی افراطی:** استفاده نابه جا از اعداد و ارقام برای نشان دادن دقت زیاد مدعا.
- *** بیان عاطفی:** استفاده از کلماتی با بار ارزشی مثبت به جای استدلال های موافق یک مدعا، و بالعکس.
- *** عبارات جهت دار:** استفاده از کلماتی با بار ارزشی مثبت و منفی به جای استدلال یک مدعا.
- *** توسل به احساسات:** تأثیر روانی بر مخاطب و استفاده از احساسات و عواطف برای منحرف کردن او از مقام استدلال.
- *** تهدید:** جایگزین کردن زور به جای استدلال؛ یعنی اگر مدعی موردنظر را نپذیرد، آسیبی به او خواهد رسید.
- *** تطمیع:** جایگزین کردن منفعت طلبی به جای استدلال؛ یعنی اگر مدعی موردنظر را بپذیرد، نفعی به او می رسد.
- *** توسل به ترحم:** جایگزین کردن ترحم و دلسوزی به جای استدلال؛ یعنی تشویق به پذیرفتن سخن شخص قابل ترحم.
- *** آرزوآندیشی:** جایگزین کردن امید و آرزو به جای استدلال.
- *** عوام فریبی:** استفاده از هیجان جمعی؛
- *** تفاخر:** گرایش به تفاخر به جای استدلال.
- *** توسل به مرجع:** استفاده از نظر افراد مشهور به عنوان حجت و دلیل برای یک مدعا. (أتانازی با استناد به نظر استیون هاوکینگ)
- *** تجسم:** فرض و گمان یک جسم عینی و خارجی به ازای هریک از الفاظ و کلمات.
- *** توسل به احتمالات:** بهره گیری از احتمالات به جای استدلال. (۵۰۰ سال آینده)
- *** جزمی گرایی:** مطرح کردن مدعا و اجازه ندادن تشکیک در آن.
- *** توسل به ترس:** دفاع از نظر خود با ایجاد ترس و تهدید (کاربرد در سیاست و بازاریابی).

- *** مغالطه وجودی:** به جای ارائه‌ی دلیل، احتجاج به موجود بودن آن باور در برخی گروه‌های دیگر، یعنی موجودیت یک عقیده در جای دیگر را دلیل بر حقانیت آن دانستن.
- *** توسل به منبع الهی:** (ivine fallacy or Argument from incredulity) موضوع آنقدر شگفت است که حتماً الهی است
- *** ادعای ابطال ناپذیر:** طرح ادعایی که اثبات ردش ناممکن است. چون قابل آزمودن وجود نیست. (میخ وسط زمین)
- *** مغالطه فیزیک کوانتوم:** توسل به دانش‌هایی چون فیزیک کوانتوم برای ادعایی که ربطی به فیزیک کوانتوم ندارد. یا طرح فرضیات نوینی که هنوز تبدیل به قانون نشده (غیرقانونی) و یا نظریات محل بحث جدید برای ایجاد تردید در قوانین و اصول.

Quantum Physics Fallacy - (also known as: appeal to quantum physics)

Description: Using quantum physics in an attempt to support your claim, when in no way is your claim related to quantum physics.

<https://www.logicallyfallacious.com/logicalfallacies/Quantum-Physics-Fallacy>

- *** توسل به تجربه شخصی:** استناد به تجربیات مغالطه گر برای اثبات ادعا (بسیار رایج). «من، خودم».

۶- مغالطات مقام نقد

- *** پارازیت:** وقفه انداختن یا مانع تراشی در ارائه یا رساندن پیام به مخاطب.
- *** اتهام ابهام:** مبهم و نامفهوم شمردن سخنی که مبهم نیست.
- *** تکذیب نادرست:** دروغ و غیرواقعی معرفی کردن یک مدعا.
- *** ساده‌انگاری مدعا:** مدعا را کم اهمیت و پیش پا افتاده دانستن.
- *** اتهام مغالطه:** مغالطه‌آمیز معرفی کردن سخنی که مغالطه‌آمیز نیست، بدون ارائه دلیل برای آن.
- *** توسل به شخص:** نقد گوینده به جای نقد گفتار.
- *** توهین:** اهانت به مخالف یا منتقد یا پدیده‌های موافق با موضوع موردنقد مغالطه گر.
- *** مغالطه منشأ:** مغالطه گر میگوید که اصل موضوع موردنقد متعلق به شخص مذمومی است. (الا یا ایها الساقی).
- *** مغالطه پهلوان پنبه:** طرح و نقد یک مدعای ضعیف به جای نقد مدعای قوی (آینه خودرو).
- *** کامل نامیسر:** رد همه راه‌حل‌ها به علت داشتن برخی نقاط ضعف. (عوارض دارو).
- *** ارزیابی یک طرفه:** تنها نقاط قوت یا ضعف را بیان کردن برای استنتاج نادرست.

- ***رد استدلال:** از نادرستی یا مغالطه‌آمیز بودن دلیل یک مدعا، نادرستی خود آن را نتیجه گرفتن.
- ***مغالطه‌ی مناظره:** (نیازمند تشریح اشکالات ذاتی مناظره).
- ***مناقشه در مثال:** نقد مثال‌ها و مصداق‌ها به جای بررسی یا نقد مدعای اصلی. (وجب شیعه سنی).
- ***تخصیص:** رد یک مدعای کلی با طرح حالتی خاص یا غیرطبیعی که در آن حالت، آن مدعا صادق نیست.
- ***بهانه:** رد موضوع به دلیل برخی اشکالات جزئی. (ورزش: آسیب محتمل، شستشو و...).
- ***جمع مسائل در مسئله واحد:** جمع همه سئوالات مرتبط با امر در یک پرسش مبتنی بر پیش‌فرض‌های نامطلوب مخاطب (اصلاً شما راضی میشی ...؟).

۷- مغالطات مقام دفاع

- ***عوض کردن موضوع بحث:** به بیراهه بردن فرآیند گفتگو.
 - ***نکته انحرافی:** رفع زمینه‌ی پاسخ‌گویی با طرح یک نکته بی‌ربط.
 - ***شوخی بی‌ربط:** لطیفه‌گویی و مزاح برای گریز از ضعف استدلال یا بینات خود و انحراف ذهن شاهدان مباحثه.
 - ***توسل به واژه‌های مبهم:** تفسیر دلخواه از واژه‌های مبهم برای توجیه یک مدعای نادرست.
 - ***توسل به معنای تحت‌اللفظی:** برای توجیه سخن خود بگوید: «منظورم معنای تحت‌اللفظی واژگان بوده نه معنای دریافت شده»
 - ***تغییر تعریف:** در مقام توجیه بیان خویش، بگوید: «از برخی واژه‌ها معانی خاص دیگری داشتم». تلاش می‌کند معنای واژه را تغییر دهد و تعبیر جدیدی و غیررایج از آن ارائه کند که این تفسیر و مورد توافق طرفین نیست.
- Tu quoque (ته، کوکوی) و «نتیجه‌ی دو خطایک درست است». منفی در منفی مثبت
- ***تغییر موضع:** در مقام توجیه سخن خویش، بگوید: «آن حرف را از دیدگاه خاصی بیان کردم».
 - ***استثنای بی‌اهمیت:** پذیرش مصداق نقض سخن خویش و در عین حال آن مصداق یا مثال را غیرمهم و بی‌تأثیر جلوه دهد.
 - ***نخطنه‌ی مخاطب:** اشکالی که نقدش می‌کنی را خودت هم داری. پس حتماً غلط نیست! (خرما خورده‌ای، عیب خرما نکن).
 - ***تبعیض طلبی:** ملاک‌های نقد مدعای من باید با ملاک‌هایی که برای نقد مدعای دیگران دارید متفاوت باشد.
 - ***حفظ پیش‌فرض:** پافشاری بر مدعای خود با وجود شواهد نقض.
 - ***پذیرش ظاهری نقد:** اشاره به انتقاد و پذیرش ظاهری آن‌ها و باقی ماندن بر مدعای خطا.
 - ***حمله شخصی:** استدلال‌گوینده را نقد نمی‌کند بلکه ضعف‌های شخصیتی او را بازخوانی و نقد میکند.

۸- مغالطات صوری

- ***عدم تکرار حد وسط** : تکرار نشدن **حد وسط** به طور کامل و دقیق. (در باز است، باز پرنده است. پس در پرنده است).
- **وضع تالی** : در یک قضیه ی شرطی، با فرض **تالی (منطق)**، تحقق **مقدم (منطق)** را نتیجه گرفتن.
- **رفع مقدم** : در یک قضیه ی شرطی، با رفع مقدم، وضع تالی را نتیجه گرفتن.
- **مقدمات منفی** : نتیجه گیری از قیاسی با مقدماتین سالبه.
- **مقدمات ناسازگار** : استنتاج از قیاس دارای مقدماتین متناقض.
- **افراد غیر موجود** : از قضایای کلی، نتیجه ی جزئی گرفتن.
- **ایهام انعکاس** : برای موجهه ی کلیه، عکس کلیه، و برای سالبه ی جزئی، عکس قائل بودن.
- **سوء تألیف** : تعمیم یافته بودن **حدی موضوع (منطق)** یا **محمول (منطق)** در نتیجه، بدون تعمیم آن در مقدمات قیاس، و نیز استنتاج از قیاسی که حد وسط آن در هیچ یک از دو مقدمه تعمیم یافته نیست.

۹- مغالطات در استدلال پیش فرض نادرست

- ***توسل به اکثریت** : هرآنچه اکثریت اجتماع با آن موافق باشند (در عمل یا در نظر)، حتماً درست است.
- ***تجددگرایی** : هر پدیده یا عقیده ی نو و جدید، درست و هر عقیده ی کهن نادرست است.
- ***سنت گرایی** : هر پدیده یا عقیده باقی مانده از گذشته، درست و هر عقیده ی بی پیشینه نادرست است.
- ***توسل به ثروت** : افکار و شخصیت ثروتمندان بی نیاز، درست و مثبت است.
- ***توسل به فقر** : افکار و شخصیت تهی دستان و نیازمندان درست و مثبت است.
- ***علت شمردن مقدم** : در دو رویداد پیاپی، رویداد یکم، علت رویداد دوم است. (افزایش قیمت بنزین، کاهش معاملات ملکی)
- **علت شمردن مقارن** : در دو رویداد همزمان، یکی (به انتخاب مغالطه گر)، علت دیگری است.
- **ترکیب - Fallacy of composition** : اجزای یک مجموعه دارای صفتی یا ویژگی هستند، پس کل مجموعه دارای آن صفت است.
یعنی شناسه یا ویژگی بخشی از زیرمجموعه را به کل بخش های مجموعه نسبت داده شود (عکس مغالطه تقسیم).
 M زیرمجموعه N است. M دارای ویژگی Y است. پس : N دارای ویژگی Y است.
- **تقسیم** : اگر کل مجموعه دارای یک ویژگی باشد، پس حتماً اجزای آن هم همان ویژگی را دارند.
- **میانروی** : در بررسی هر موضوعی که نظرات متعارض، وجود دارد حتماً حالت میانه باید برگزیده شود.
- **قمارباز** : در پیش آمدن یک امر محتمل، نتایج دفعات پیشین در دفعات بعدی موثر است.

۱۰- مغالطات ربطی

- **مغالطه مضمّر مردود:** ذکر نکردن یکی از مقدمات که در واقع نادرست است. یکی از ارکان آن (صغرا، کبرا و یا نتیجه) حذف شده (درخت گردکان) - « همه فرزندان آدم هستیم - همه خواهر و برادریم - پس نباید این نزاع ها و درگیری ها بین ما باشد.
- **مغالطه فصل امر:** استفاده از قیاس استثنایی منفصله درحالی که قضیه ی شرطیه ی منفصله، حقیقیه یا مانعۀ الخلوّ نیست. ساختار این مغالطه:

گزاره ی A یا B درست هستند.

A درست است.

پس B نادرست است.

یا با استفاده از عملگرهای منطقی:

ریشه ی این مغالطه: یا فقط A درست است یا فقط B. اما در واقع هر دو گزاره می توانند همزمان درست باشند. چون عملگر «یا» از یای فصلی است نه یای مانعۀ الجمع. این مغالطه نوعی مغالطه اشتراک لفظ است بین دو نوع «یا».

- *** ذوالحدین جعلی** (دوگانه یا دوراهی دروغین): «ربط قضیه ی فصلی، حقیقی نیست» یعنی در گزاره شرطی بین مقدم و تالی، رابطه ای وجود ندارد. در اینجا فرض این است که: تنها حالات ممکن همان است که مغالطه گر مطرح کرده. (اگر وارد بازار شوی نیازمند وام هستی پس اگر وام بگیری ... و اگر وام نگیری ...)
- **خطّ علت و دلیل:** علت در برابر دلیل است. علت در مقام ثبوت و دلیل در مقام اثبات است. (خورشید گرفتگی و رسانه ها)
- **مغالطه دلیل نامربوط:** استنتاجی که در آن، نتیجه منطقی مقدمات نسبت به نتیجه ی گرفته شده، **اعم، اخص یا مباین** باشد.
- **مصادره به مطلوب:** استفاده از نتیجه در مقدمه ی استدلال.
- **استدلال دُوری:** به کار بردن مقدمه ای که صحت آن وابسته به صحت نتیجه استدلال است.
- *** تعمیم شتاب زده:** صادر کردن حکم کلی با نمونه ناکافی.

مغالطه آماری:

- **پنداشت پریش:** بهره گیری از نتیجه در مقدمه ی استدلال. «قدرت و فساد»
- **مغالطه تمثیل:** تسرّی دادن حکم یک چیز به چیزی دیگر که در صفتی شبیه چیز اول باشد.
- **شیب لغزنده:** این مغالطه زمانی روی می دهد که کسی ادعا کند که پذیرفتن یک مسئله، یا برداشتن یک قدم، یا روی دادن یک اتفاق، بدون شک باعث ایجاد زنجیره ای بلند خواهد شد که در انتهای آن رخدادی بزرگ و معمولاً ناگوار خواهد بود؛ مثلاً اگر کسی ادعا کند که من به فرزندم اجازه نمی دهم که از خانه خارج شود چرا که اگر خارج شود، دوستانی بد خواهد یافت، بعد این دوستان به او مواد مخدر تعارف می کنند، بعد او مصرف خواهد کرد، بعد معتاد خواهد شد، بعد به کار پخش مواد مخدر مشغول خواهد شد و در انتها گرفتار قانون شده و اعدام خواهد شد. پس او را در خانه حبس می کنم تا هرگز اعدام نشود.